

## بررسی ماهیت طبقاتی تجار در دوره قاجاریه

علی محمد حاضری، هادی رهبری

مسئله مورد تبیین در این مقاله بررسی استقلال نسبی طبقه تجار از حکومت و فرآیند تغییرات طبقاتی آن‌ها در دوره قاجاریه می‌باشد. بر این اساس، سؤال تحقیق تحت این عنوان «آیا تجار دوره قاجاریه طبقه نسبتاً مستقل از حکومت محسوب می‌شوند؟» بیان شده است. در پاسخ به این سؤال و در مقام حل مسئله، فرضیه تحقیق با ساختار مفهومی زیر بیان گردیده است: تجار دوره قاجاریه را می‌توان یک طبقه نسبتاً مستقل محسوب کرد به نحوی که تجار تا قبل از عصر امتیازات، یک طبقه اقتصادی، از عصر امتیازات تا انقلاب مشروطه به طبقه اجتماعی و از انقلاب مشروطه تا پایان مجلس اول به یک طبقه سیاسی تبدیل شده‌اند. در ادامه فرضیات از طریق داده‌های تجربی که به روش تاریخی گردآوری شده مورد داوری قرار گرفته‌اند. یافته‌های تجربی دلالت بر تأیید دستگاه نظری این تحقیق دارد. مفاهیم کلیدی: طبقه، طبقه اقتصادی، طبقه اجتماعی، طبقه سیاسی، تجار، کنش متقابل میان سیستم اقتصادی (تجار) و سیستم سیاسی (حکومت)

### مقدمه

همان‌طور که می‌دانیم وقتی پدیده‌ای از زاویه خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌توان زاویه و افق دیگر آن را نیز مطرح کرد. بدین معنا وقتی سنت یا مکتبی تفسیر خاصی از رویداد تاریخی عرضه می‌دارد، می‌توان با طرح و تفسیر مقابل آن زمینه اندیشه تازه‌ای را در آن خصوص مهیا کرد. رابطه میان حکومت و طبقات اجتماعی در تاریخ ایران موضوع پژوهش و بررسی‌های بسیار بوده است. در این میان برخی صاحب‌نظران معتقدند که در طول تاریخ ایران هیچ طبقه‌ای نه تنها مستقل از حکومت نبوده بلکه تمام طبقات اجتماعی کاملاً وابسته به حکومت بودند که

از نمونه‌های این‌گونه آرا، تئوری استبداد ایرانی است. «و دولت نماینده هیچ طبقه دیگری - از تاجر و کاسب گرفته تا پیشه‌ور و رعیت - نبود، بلکه این طبقات تحت سلطه دولت قرار داشتند. به این ترتیب، هیچ‌یک از طبقات در برابر دولت حقوقی نداشت.» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۷-۹) همچنین برخی دیگر هم از ظلم و جوری که بر طبقات مختلف بالاخص بر تاجر بوده است یاد می‌کنند که اموال آن‌ها همواره مورد توجه پادشاه بوده و هر موقع پادشاه اراده می‌نمود اموال‌شان را از آن‌ها می‌گرفت. در این زمینه نیز به موارد زیر می‌توان اشاره داشت: ۱. مصادره اموال تاجر به بهانه‌های مختلف بر اثر فوت صاحب مال. ۲. عدم بازپرداخت دیونی که عمال دیوانی از تاجر و بازاریان می‌گرفتند. ۳. غارت اموال کاروان و دکاکین به بهانه‌های مختلف. ۴. اخاذی از تاجر و کسبه و پیشه‌وران به اسم مالیات و... (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۹-۴۰). بنابراین وابستگی طبقات اجتماعی به حکومت استبدادی ایده‌ای است که در میان محققان تاریخ اجتماعی ایران تا حدودی مورد توافق است. اما ما بر این باوریم که این پدیده یعنی رابطه طبقات اجتماعی و حکومت را از زاویه دیگر نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد و قصد داریم اثبات کنیم که تاجر در همه مقاطع تاریخی کاملاً وابسته به حکومت نبوده، و استقلال نسبی هم داشته‌اند که جزئیات این بحث را در مقاله حاضر دنبال می‌کنیم.

موضوع این مقاله تحلیل ماهیت طبقاتی تجار دوره قاجاریه است. منظور از ماهیت طبقاتی تجار فرایند تغییرات طبقاتی تجار در جهت حفظ استقلال طبقاتی خود در مقابل حکومت است. این فرآیند را در سه دوره زمانی از یک مقطع تاریخی مورد بررسی قرار داده‌ایم. دوره اول، از دوره تشکیل حکومت قاجاری تا آغاز عصر شکار امتیازات (دوره جنبش تنباکو) می‌باشد. در این دوره تاجر به‌عنوان یک طبقه اقتصادی در یک رابطه بده و بستان با حکومت قرار داشتند. یعنی این‌که تاجر به دلیل برخورداری از بیشترین نقدینگی در نزد خود همواره مورد توجه و عنایت سلطان بودند. و از آن‌جا که حکومت به پول نیاز داشت امنیت جانی و مالی و نظم را که اساس کار اقتصاد است برای این طبقه تأمین می‌کرد و در مقابل تاجر هم با حفظ استقلال طبقاتی خود نیازهای مادی حکومت را در مواقع تنگناها و بحران‌های شدید مالی از طریق وام و قرض تأمین می‌نمود.

دوره دوم، از عصر شکار امتیازات (واقعه تنباکو) تا انقلاب مشروطه را شامل می‌شود. در این دوره کنش متقابل میان تاجر و حکومت از صورت مسالمت‌آمیز خود به صورت تخاصم‌آمیز تبدیل می‌شود. در این دوره چند واقعه مهم رخ داده است. واقعه اول این بود که تاجر به دلیل مسافرت‌هایی که به خارج از کشور داشتند و مشاهده اوضاع و احوال مردم مغرب زمین و هم‌تایان فرنگی خود همچنین به دلیل حشرونشرشان با روشنفکران از جهان سیاسی و اقتصادی

آن سوی مرزهای ایران آگاهی یافته و این امر منجر به خودآگاهی طبقاتی تجار شد. آن‌ها که تا چندی قبل به‌عنوان طبقه اقتصادی نسبت به منافع طبقاتی خود در مقابل حکومت آگاهی نداشتند به خودآگاهی رسیدند و به یک طبقه اجتماعی تبدیل گشتند. واقعه دوم جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه است. آن‌ها با درک از منافع طبقاتی و آگاهی به منافع جمعی طبقاتی خود به زیان‌های مادی ناشی از فروش منابع داخلی کشور آگاه گشتند. ناصرالدین‌شاه که با فروش منابع داخلی کشور، منافع مادی قابل توجهی نصیب می‌شد دیگر به مانند شاهان پیشین قاجار به طبقه تجار وابستگی مالی نداشت. بنابراین نه تنها ضرورتی در جهت جلب رضایت تجار در جهت تأمین منافع اقتصادی نمی‌دید، بلکه با فروش منابع مادی کشور به بیگانگان و استقلال مادی از طبقه تجار، بی‌پروا اقداماتی را به ضرر منافع تجار انجام می‌داد. تجار نه تنها از اقدامات ناصرالدین‌شاه ناراضی بودند بلکه یکه‌تازی بیگانه را در حیات اقتصادی و سیاسی ایران نمی‌پذیرفتند، زیرا حضور بیگانه را عامل نابودی و ضعف و حقارت خود می‌دانستند. نتیجه امر آن شد که تجار و حکومت در جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه رودرروی هم قرار بگیرند که هر دو واقعه منجر به پیروزی این طبقه شد. دوره سوم، از پیروزی انقلاب مشروطه تا پایان مجلس اول می‌باشد. در این دوره کنش متقابل میان تجار و حکومت تغییر یافت و تجار این بار قدرت سیاسی را در دست گرفتند و به عبارتی اکثریت آرای کرسی مجلس را به دست آوردند و به یک طبقه سیاسی تبدیل شدند.

مدعای اصلی مقاله این است در مرحله اول تا زمانی که پای فروش امتیازات به ایران باز نشده بود، حکومت ضمن نیاز مالی به تجار در فعالیت و روابط تجاری و بازرگانی به تجار نیازمند بود. علاوه بر این تجار با داشتن بیشترین نقدینگی در نزد خود و نیاز همیشگی حکومت به پول، آن‌ها را از استقلال زیادی برخوردار می‌کرد. در مرحله دوم، حکومت با فروش منابع کشور خود را از وابستگی مالی به تجار رها کنید و در نتیجه سعی در نفی استقلال این طبقه داشت. در مقابل تجار هم با رسیدن به خودآگاهی طبقاتی در مقابل اقدامات حکومت مبنی بر فروش منابع داخلی کشور که به زیان استقلال نسبی طبقاتی خویش می‌دانست ایستادگی نمود و با به راه انداختن جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه به پیروزی دست یافت. در مرحله سوم تجار با غلبه بر سیستم سیاسی و حفظ استقلال طبقاتی خویش به قدرت سیاسی دست یافت و بیشترین کرسی را در مجلس از آن خود کرد.

با وجود این، تلاش تجار در دستیابی به نظام اقتصادی و سیاسی مبتنی بر ساختار دموکراتیک موقتی بود و چندان طول نکشید. از آن‌جا که تجار و بازاریان از انقلاب مشروطه انتظاراتی داشتند با دیدن وضعیت ناامن و آشفته بعد از انقلاب و برآورده نشدن انتظاراتشان

دست از حمایت مشروطه کشیدند. آن‌ها که فعالانه برای اصلاح اقتصادی کشور در مجلس اول به تلاش پرداختند به دلیل وضعیت بد موجود در مجلس دوم دست از کار کشیدند. هدف اصلی تحقیق حاضر توصیف و تبیین استقلال طبقاتی تجار از حکومت و فرایند تغییرات وضعیت آن‌ها در دوره قاجاریه می‌باشد.

### چارچوب نظری

برای دستیابی به چارچوب نظری مناسب، نخست نظریه وبر در مورد طبقه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. طبقه در تعریف وبری مقوله‌های اقتصادی‌اند که از کنش متقابل انسان‌ها در بازار به وجود می‌آیند. بازار به‌طور کلی به نظام مبادله رقابتی‌ای اطلاق می‌شود که در آن افراد در پی سود، به خرید و فروش چیزهای باارزش مشغولند. چیزهای باارزش از وسایل سودمند یا کالاهای مادی مثل دارایی و ثروت و خدمات انسانی مثل مهارت‌های شخصی و نیروی کار را شامل می‌شود. بدین ترتیب، طبقه صرفاً مجموعه‌ای از افراد است که موقعیت مشترکی در بازار دارند و از منافع اقتصادی و فرصت‌های زندگی مشابه‌ای برخوردارند. (گرب، ۱۳۷۳: ۷۲؛ هیندس، ۱۹۸۷: ۳۷) ترسیم وبر از ساختار طبقاتی بین‌الگویی دو بخشی مبتنی بر تفسیر ساده مارکسیستی از طبقه است. وبر میان طبقه به مفهوم اقتصادی و طبقه به مفهوم اجتماعی آن تمایز قائل می‌شود. طبقه اقتصادی وبر مجموعه‌ای از افراد هستند که دارای موقعیت مشترک در بازارند و از منافع اقتصادی و فرصت‌های زندگی مشابه‌ای برخوردارند. اما نسبت به پایگاه مشترک و منافع جمعی خود شناخت و خودآگاهی ندارند. طبقه اجتماعی طبقه‌ای هستند که علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های طبقه اقتصادی فرقی با این طبقه در این است که طبقه اجتماعی نسبت به وحدت و سازماندهی ناشی از آگاهی طبقاتی شناخت ذهنی دارد. پس طبقه اجتماعی طبقه اقتصادی‌اند که در آن افراد به درجات مختلف نسبت به وحدت و سازماندهی ناشی از آگاهی طبقاتی شناخت ذهنی پیدا می‌کنند. در تعریف از طبقه اجتماعی وبر اهمیت زیادی برای فرایندهای ذهنی قائل می‌شود (گرب، ۱۳۷۳: ۷۴-۷۵). به عبارت دیگر می‌توان گفت طبقه اقتصادی وبر همان طبقه «در خود» مارکسی است و طبقه اجتماعی وبر، طبقه «برای خود» مارکس است. تفاوت در این است که مارکس این مفهوم را در مورد طبقه پرولتاریا به کار برده است ولی از نظر وبر، آن‌هایی که در رأس ساختارهای اجتماعی قرار دارند و نه طبقه کارگر، بیشترین میزان آگاهی گروهی و بیشترین توان بالقوه را برای کنش سیاسی دارند (همان مأخذ). طبقه سیاسی طبقه اقتصادی-اجتماعی وبری‌اند که در نبرد طبقاتی با حکومت به قدرت سیاسی می‌رسد و در فعالیت‌های سیاسی مشارکت می‌کنند. پس طبقه سیاسی طبقه‌ای

است که از بیشترین آگاهی گروهی برخوردار و بیشترین توان بالقوه را برای کنش سیاسی دارا می‌باشد.

در نهایت طرح ویراز سازماندهی طبقاتی و نبرد طبقاتی هنگامی است که: الف) رقاباتی مستقیم روبه‌روی هم باشند که منافع آن‌ها مستقیماً با هم تعارض دارد. (مثلاً، تاجر و بازار بر ضد حکومت) ب) موقعیت طبقاتی ویژه‌ای باعث به حرکت در آمدن تعداد زیادی از افراد شود. ج) در عمل مشترکی به سوی هدف‌هایی روشن درگیر شده باشند، هدف‌هایی که الهام‌بخش و تفسیرکننده آن‌ها معمولاً روشنفکرانی هستند که خود به طبقه مورد بحث تعلق ندارند (گورویچ، ۱۳۵۸: ۱۴۶).

باید توجه داشت با تأمل در نظریه وبرد در مورد طبقه، به این نتیجه می‌رسیم که اساس و بنیاد مفهوم طبقه، منافع این گروه و آن گروه نیست، بلکه تضاد موجود بین این گروه‌هاست. به عبارت دیگر برخلاف دیدگاه‌های مارکسیست‌ها طبقه را نباید به سادگی برحسب رابطه با شیوه تولید، بلکه باید در بستر تاریخی و تعارض اجتماعی آن با دیگر طبقات موجود درک کرد. فرضیات مقاله براساس چارچوب نظری فوق استنتاج شده است.

### فرضیه

تاجر دوره قاجاریه را می‌توان به‌عنوان یک طبقه نسبتاً مستقل از حکومت محسوب کرد به نحوی که:

تجار تا قبل از عصر امتیازات، یک طبقه اقتصادی؛ و از عصر امتیازات تا پیروزی انقلاب مشروطه، یک طبقه اجتماعی و از پیروزی انقلاب مشروطه تا پایان مجلس اول به یک طبقه سیاسی تبدیل شدند.

### روش‌شناسی

#### کاربردی کردن مفاهیم

تعریف کاربردی مفاهیم گذر از سطح نظری به سطح تجربی را امکان‌پذیر می‌سازد. در سطح نظری، مفاهیم فرضیات مفاهیم انتزاعی (abstract concepts) هستند. تطبیق این مفاهیم با واقعیت نیازمند تعریف و تبدیل آن‌ها به سنجه‌های قابل مشاهده (observable measures) است. براساس این قاعده مفاهیم مورد استفاده در فرضیات را تعریف کرده‌ایم. (عبداللهی، ساعی، ۱۳۸۴: ۸).

تجار به عنوان طبقه اقتصادی:

۱. مجموعه‌ای از افراد با موقعیت مشترک در بازار } ۱. دارایی و ثروت  
۲. منافع اقتصادی و فرصت‌های زندگی مشابهی داشته باشند. } ۲. خدمات انسانی مثل مهارت‌های شخصی و نیروی کار  
۳. عدم آگاهی نسبت به پایگاه مشترک و منافع مشترکی که گروه‌های حقیقی دارند. } ۳. طبقة اقتصادی

چنین به نظر می‌رسد که طبقه تجار تا قبل از عصر امتیازات طبقه اقتصادی محسوب می‌شد که از موقعیت و فرصت‌های زندگی مشابه‌ای برخوردار بودند. اما نسبت به منافع و موقعیت مشترک خود آگاهی نداشتند. و این مسئله نه تنها در مورد تجار درون یک شهر صادق است بلکه تجار مناطق مختلف ایران هم دارای چنین وضعیتی بوده‌اند. و چه بسا به دلیل برخوردار نبودن از آگاهی به منافع جمعی در کار یکدیگر هم موانع به وجود می‌آوردند.

تجار به عنوان طبقه اجتماعی:

۱. مجموعه‌ای از افراد با موقعیت مشترک در بازار } ۱. شناخت ذهنی نسبت به وحدت و سازماندهی ناشی از آگاهی طبقاتی  
۲. منافع اقتصادی و فرصت‌های زندگی مشابهی داشته باشند. } ۲. طبقة اجتماعی  
۳. شناخت ذهنی نسبت به وحدت و سازماندهی ناشی از آگاهی طبقاتی } ۳. طبقة اجتماعی

طبقه اجتماعی طبقه‌ای است که علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های طبقه اقتصادی فرقی با این طبقه در این است که طبقه اجتماعی نسبت به وحدت و سازماندهی ناشی از آگاهی طبقاتی شناخت ذهنی دارد. طبقه تجار در عصر امتیازات با برخوردار شدن از آگاهی به منافع جمعی به یک طبقه اجتماعی تبدیل شدند.

تجار به عنوان طبقه سیاسی:

۱. مجموعه‌ای از افراد با موقعیت مشترک در بازار } ۱. فعالیت در انجمن‌های سیاسی  
۲. منافع اقتصادی و فرصت‌های زندگی مشابهی داشته باشند. } ۲. مشارکت در زندگی سیاسی  
۳. شناخت ذهنی نسبت به وحدت و سازماندهی ناشی از آگاهی طبقاتی } ۳. مشارکت در جنبش‌های سیاسی  
۴. مشارکت در زندگی سیاسی } ۴. مشارکت در انتخابات نمایندگی مجلس  
۳. مشارکت در جنبش‌های سیاسی } ۳. طبقة سیاسی
- طبقه سیاسی طبقه‌ای است که در نبرد طبقاتی با حکومت به قدرت سیاسی می‌رسد. یعنی طبقه اقتصادی-اجتماعی قدرت سیاسی را به دست می‌آورد و در فعالیت‌های سیاسی مشارکت

دارد. طبقه تجار بعد از انقلاب مشروطه به طبقه سیاسی تبدیل شدند.

### واحد تحلیل

موضوع تحقیق طبقه است. نوعی تلقی از طبقه به‌عنوان ویژگی واحدهای اقتصادی بازاری این نتیجه را در پی داشت که واحد تحلیل در این مورد تجار\* باشند.

### واحدهای مشاهده

داده‌های تجربی با مراجعه به اسناد دست اول موجود در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتاب‌ها و مدارک معتبر تاریخی، عهدنامه‌ها و امتیازات مربوط به امور تجاری و بازرگانی، تلگراف‌ها، نامه‌ها، مذاکرات و مصوبات مجلس اول و تحلیل‌های تاریخی و تحقیقات انجام شده در این زمینه... استخراج شده‌اند. روش گردآوری شواهد تجربی روش تاریخی (اسنادی) است.

### روش تحلیل

روش تحلیل تجربی ما در این مقاله تحلیل تاریخی-کیفی است.

### یافته‌های تحقیق

در این مقاله تحلیل را در دو سطح انجام داده‌ایم: ۱. توصیف ۲. تبیین در سطح توصیف، چگونگی توزیع داده‌های تجربی متغیرهای طبقه اقتصادی، طبقه اجتماعی، طبقه سیاسی توصیف شده است. در سطح تبیین گزاره‌های فرضیات از طریق گزاره‌های مشاهده‌ای، در پرتو استدلال تجربی مورد آزمون واقع شده‌اند.

### توصیف داده‌ها

تجار به‌عنوان طبقه اقتصادی:

مفهوم طبقه اقتصادی (تجار) از طریق موقعیت مشترک در بازار (دارایی و ثروت)، منافع اقتصادی و فرصت‌های زندگی مشابه و عدم آگاهی نسبت به پایگاه مشترک و منافع مشترک

\* با آن‌که مفهوم طبقه در معنی دقیق و فنی مارکسی آن مفهوم کلی‌تر و فراگیرتر از تجار است و در حقیقت، تجار صرفاً به‌عنوان بخشی از طبقه بالا و مالک ابزار تولید تلقی می‌شوند، ما در این مقاله، چون با سایر بخش‌های این طبقه سروکار نداریم مسامحتاً، تجار را یک طبقه منظور نموده‌ایم.

سنجیده شده است. در سطور زیر با استفاده از داده‌های تاریخی، نمونه‌هایی از این‌گونه خصوصیت‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

#### موقعیت مشترک تجار در بازار:

تجار همه به عمده‌فروشی می‌پرداخته‌اند (فلور، ۱۳۶۵: ۱۵۲) ولی معمولاً در رشته خاصی از تجارت و یا در واردات و صادرات کالاهای خاصی تخصص نداشته‌اند و در صورت لزوم به تجارت و مبادله کالاهای گوناگون و نیز به صرافی می‌پرداختند (دوگوبینو، ۱۳۶۰: ۳۳؛ اجلالی، ۱۳۷۳: ۴۹؛ فشاهی، ۱۳۶۰: ۲۶). فعالیت عمده آنان گردآوری و صدور مواد خام مورد نیاز بازارهای خارجی، در رأس آن تریاک، پنبه، ابریشم، خشکبار و مواد غذایی و وارد کردن کالاهای صنعتی به خصوص قماش منچستر و قند و شکر و چای بود (اجلالی، ۱۳۷۳: ۴۹). برخی از آنان همراه با تجارت به سرمایه‌گذاری در صنایع نیز اقدام می‌نمودند و تمایزی میان سرمایه‌داری تجاری و صنعتی قایل نبودند. (همان)، تجار بزرگ و متوسط آن زمان گرایش شدیدی به سرمایه‌گذاری در املاک مزروعی داشتند. بدین‌گونه قسمت قابل ملاحظه‌ای از سرمایه و نیروی آنان به این سوی کشانده می‌شد (همان). ویژگی دیگر تجار نسبت به سایر اقشار بازار این بود که تجار بالکل از پرداخت مالیات رسمی دولتی معاف بودند (فشاهی، ۱۳۶۰: ۲۲۶؛ دوگوبینو، ۱۳۶۰: ۳۱). به این ترتیب ویژگی آن‌ها عبارتند از:

۱. عمده‌فروشی و تجارت و مبادله کالاهای گوناگون (نداشتن تخصص در رشته خاصی از تجارت)
۲. صرافی
۳. گردآوری و صدور مواد خام مورد نیاز بازارهای خارجی و وارد کردن کالاهای صنعتی
۴. در کنار تجارت به سرمایه‌گذاری در صنایع اقدام می‌نمودند. (تمایز قایل نشدن میان سرمایه‌داری تجاری و صنعتی)
۵. سرمایه‌گذاری در املاک مزروعی
۶. معاف بودن از پرداخت مالیات.

#### فرصت‌های زندگی مشابه:

هر فرد تاجری می‌بایست بنا بر اقتضای زندگی شغلی خود خواندن و نوشتن را یاد بگیرد. به عبارت دیگر تحصیلات خواندن و نوشتن از ملزومات هر فرد تاجری بود (عیسوی، ۱۹۷۱: ۲۴). از لحاظ حساب و ریاضی باید تا آن حد کسب معلومات کند که شخصاً قادر به محاسبه دخل و خرج روزانه و سایر محاسبات مالی و تجاری خود باشد (ویلز، همان: ۳۷۳). از نظر محل سکونت، خانه تجار در محلاتی خارج از بازار قرار داشت و معمولاً این محلات، محلات خلوتی بود که طبقات متمول در آن‌جا ساکن بودند. خانه تجار معمولاً وسیع و زیبا بود.



چنان‌که خانه امین‌الضرب یکی از بهترین خانه‌های تهران بود. تا آن‌جا که شاه با شنیدن وصف زیبایی باغ و ساختمانش به دیدار آن شتافت (مهدوی، ش ۱۱:۱۲). از نظر پوشش تجار با گروه‌های دیگر تفاوت دارند. آن‌ها، عمامه‌ای از شال ترمه و کلاه بخارایی، پیراهن پنبه‌ای و لباس رسمی از پارچه پنبه، مخمل یا ساتن می‌پوشیدند و در فصول سرد قبا از پارچه برک نیز می‌پوشیدند. این دو نوع لباس تا وسط ساق پایین زانو و قوزک می‌رسید، و با کمربند پنبه‌ای یا چرمی محکم می‌شد. شلوار بسیار گشاد پنبه‌ای که به رنگ سیاه یا آبی رنگ شده بود می‌پوشیدند. جوراب و کفش‌هایی که از چرم ساغری محلی ساخته می‌شد، لباس ایشان را تکمیل می‌کرد. هنگامی که به گردش یا ملاقات کسی می‌رفتند، عبا یا ردای گشاد که از پارچه موی شتر، برک یا کشمیر بود به روی شانه می‌انداختند (فلور، ۱۳۶۵: ۱۵۴-۵؛ اورسل، ۱۳۵۳: ۱۰۵). تجار به پوشش و لباس خود اهمیت زیادی می‌دادند و با آن‌که به خارج از کشور سفر می‌کردند تحت‌تأثیر پوشش کشورهای اروپایی قرار نگرفتند، به نحوی که سیاحانی که در این دوره به ایران آمده بودند تصریح دارند که بازرگانان با تعصب و وفاداری تمام لباس قدیمی خود را حفظ کرده‌اند و با این‌که کلاه بخارایی روز به روز تعدادش در مقابل کلاه‌های کوچکی که از ماهوت سیاه درست می‌شود در حال کاهش است ولی تجار همان کلاه سنتی را بر سر می‌گذارند (اورسل، ۱۳۵۳: ۱۰۵-۶؛ تحویل‌دار، ۱۳۴۲: ۲۴۹). تجار بسیار افراد مذهبی بودند. بسیاری از آن‌ها به زیارت مکه رفته بودند، و اغلب آن‌ها ملقب به حاجی بودند. به‌طوری‌که از ۲۵ تاجر معروف و سرشناس اصفهان به‌جز چهار نفر بقیه ملقب به حاجی بودند (تحویل‌دار، همان: ۹۲؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۳۷۷). تجار بزرگ از زمان‌های قدیم در تدارک تأسیسات عمومی و عام‌المنفعه مشارکت می‌نمودند. آمار اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری شواهدی از مشارکت تجار در ساختن راه‌ها، پل‌ها، کاروانسراها، قنات‌ها، مدرسه‌ها و دارالایتام‌ها و مسجدها به‌دست می‌دهند (اشرف، ۱۳۵۹: ۲۸). اصولاً وصلت و پیوند زناشویی میان تجار درون گروهی یا تنها با علما زیاد بود و این نیز باعث شده بود که از نظر اجتماعی تجار و علما دو قدرت مستقل و جدا از حکومت باشند (فلور، ۱۳۶۶: ۱۵۲).

#### عدم آگاهی نسبت به پایگاه مشترک و منافع مشترک:

تجار تا قبل از عصر امتیازات به دلایل جغرافیایی، شغلی، مذهبی، به منافع جمعی خود هیچ آگاهی نداشتند و هیچ‌گونه احساس همبستگی و تعلق به منافع مشترک میان تجار شهرهای مختلف و حتی تجار درون یک شهر به دلایل محلی، قومی، مذهبی... وجود نداشت و هریک از آن‌ها به‌صورت جداگانه فعالیت می‌کردند و هیچ‌گونه سازمان رسمی نداشتند. از نظر جغرافیایی

به علت پراکندگی محیط زیست و سکونت، زادگاه، موقعیت محلی، علایق محلی و حتی محل فوت و دفن تجار که هریک بنا به موقعیت خاص خود در گوشه‌ای بودند و ضعف ارتباطی، این سازمان می‌توانست سازمانی منسجم باشد. مثلاً بازرگانان هر شهر به نام همان شهر خوانده می‌شدند و این گروه در معاودت‌ها و مساعدت‌ها بیشتر با یکدیگر مانوس بودند تا با بقیه تجار (شهرهای دیگر). مثلاً در کرمان بین تجار کرمان، یزد، تبریز، زرنده، خراسان، تجار ترک، زرتشتی (یزدی) و هندی تفاوت‌های بسیار بود، یا در کاشان گروه‌های تجاری که بیشتر با یکدیگر مراد و همنشینی داشتند به گروه‌های صالح آبادی، تبریزی‌ها، رفوگرها، لاجوردی، کوزه کنانی، بنه‌کله، بزازه‌ها، دروازه اصفهان، مهره‌کش‌ها موسوم و مشهور بودند. نظیر چنین مواردی را در شهرهای دیگر می‌توان دید. رده‌بندی بین بازرگانان را هم می‌شد از محله شهری که در آن معامله و دادوستد می‌کردند ملاحظه کرد، چه هر دسته از آنان دارای خان یا کاروانسرا یا تیمچه‌ای مخصوص به خود بودند، و در همان‌جا حجره‌ای داشت که در آن به دادوستد می‌پرداخت. همچنین از نظر شغلی با وجودی که تجار در دادوستد هر کالایی مخیر و مجاز بودند، اما به علت عدم بنیه و بضاعت مالی، اغلب آنان در خرید و فروش یک یا دو کالا شهرت بیشتری داشتند. به همین علت، این گروه بیشتر با یکدیگر کار می‌کردند. به عنوان مثال، تاجران پارچه، بیشتر با هم کار می‌کردند تا با گروه تاجران ادویه یا حیوانات اهلی. با توجه به این‌که مذهب که از دیرباز موجب تشکل بوده، در امر تجارت سهم به‌سزایی داشته است. در زمان قاجاریه، مذهب یکی از عوامل تقسیم‌بندی گروهی تجار بود. تجار مسلمان، ارمنی، یهودی، زرتشتی می‌کوشیدند با هم‌کیشان خود بیشتر مجالست و دادوستد داشته باشند تا دیگرکیشان. طبیعی است در موارد اضطراری و نیاز به مساعدت نیز با تاسی از فرامین مذهب خود، به هم‌کیشان خود بیشتر مساعدت و یاری می‌کردند تا دیگر تجار (همان: ۱۵۷). این درگیری‌های گروهی میان تجار، علی‌رغم محلی بودن پیامدهای گسترده‌ای داشت و روابط عمودی (سلسله‌مراتبی) را در بین اعضای یک گروه تقویت می‌کرد و مجموع این عوالم تشکیل همبستگی‌های افقی (غیر سلسله‌مراتبی) را میان تجار یک شهر با شهرهای دیگر به تأخیر می‌انداخت. به عبارت دیگر این تنش‌های گروهی میان تجار، همبستگی و رهبری گروهی به مفهوم غیرطبقاتی آن را تقویت و هویت و آگاهی طبقاتی را تضعیف می‌کرد.

#### تجار به‌عنوان طبقه اجتماعی:

مفهوم طبقه اجتماعی (تجار) علاوه بر موقعیت مشترک در بازار و منافع اقتصادی و فرصت‌های زندگی مشابه از طریق شناخت ذهنی نسبت به وحدت و سازماندهی ناشی از آگاهی

طبقاتی سنجیده می‌شود. در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره داشت. تحصیلات خواندن و نوشتن و مسافرت به خارج از کشور به تجار نسبت به سایر اقشار جامعه این امکان را می‌داد که در باب مسائل مختلف اطلاعات و آگاهی بیشتری داشته باشند. به نحوی که متن *سیاحتنامه ابراهیم‌بیک*، تألیف حاج زین‌العابدین مراغه‌ای و آثار عبدالرحیم طالبوف که خود از تجار محسوب می‌شوند در این زمره گواه هستند. این تألیفات با آگاهی از رموز پیشرفت جهان به خصوص در حوزه اقتصاد، صنعت، قانون‌مداری و با نگاه انتقادی از وضع موجود وطن نوشته شده است (احمدزاده، ۱۳۸۳: ۱۰۷). اطلاعات و آگاهی تجار که در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود خواه‌ناخواه موجب می‌شد که در جریان سفرهایشان اطلاعات خود را به داخل ایران رواج دهند. بازرگانانی که با روسیه و عثمانی سروکار داشتند از اوضاع آن سرزمین‌ها خبر آوردند و درباره وابستگی اقتصادی ایران بحث می‌کردند (بهنام، ۱۳۷۵: ۳۶). بنابراین در نتیجه آشنایشان با روشنفکران ایرانی همچون اسدآبادی، ملک‌خان... و با تجار روشنفکر و صاحب تألیفی همچون مراغه‌ای، طالبوف... و همچنین با تأثیرپذیری از آگاهی و اطلاعات آنان نسبت به منافع طبقاتی خود آگاه شدند و برای احقاق حق خویش تلاش کردند. مثلاً زمانی که سید جمال اسدآبادی به ایران آمده بود، در خانه امین‌الضرب اقامت گزید. به دنبال این ملاقات، امین‌الضرب و تجار با اندیشه و آرای سید جمال در باب قانون، آزادی فکر و مطبوعات، اصلاح وضع مسلمین، قطع دست بیگانگان از اقتصاد کشور، مبارزه با امپریالیسم و استعمار خارجی آشنا شدند. به دنبال این امر، حاج محمدحسین امین‌الضرب هوادار اسدآبادی شده و در نهایت او را در فاصله بین دو دیدار در روسیه تقویت و پشتیبانی کرد (کدی، ۱۳۵۸: ۲۵).

#### تجار به عنوان طبقه سیاسی:

مفهوم طبقه سیاسی (تجار) از طریق مشارکت در زندگی سیاسی یعنی تشکیل انجمن‌های مربوط به تجار در حمایت از مشروطه، مشارکت در جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه و شرکت در انتخابات نمایندگی مجلس سنجیده می‌شود. نمونه‌هایی از داده‌های تاریخی که این خصوصیت را نشان می‌دهند عبارتند از: تجار پس از رسیدن به آگاهی طبقاتی به منافع جمعی مشترک میان خود نخستین راه‌حل را در جهت حفظ منافع جمعی خود در گردهمایی‌ها و تشکل‌هایی چون وزارت تجارت و مجلس وکلای تجار تجربه کردند. هرچند مجلس وکلای تجار در تلاش برای رسیدن به اهداف خود ناکام ماند، این مجلس برای نخستین بار تجار را در یک سازمان مشخص گرد هم آورد و آن‌ها را نسبت به حقوق خویش و منافع جمعی و ملی به

جای منافع فردی آگاه ساخت. در تبریز کانون انجمن با حمایت بازرگانان در حمایت از آزادی تشکیل شد و بعدها در انتخاب وکلای مجلس و حل مسائل مالیاتی و شکایات مهم از طریق تلگراف به وکلای خود در مجلس مؤثر بود و روزنامه‌ای هم ابتدا به نام *جریده ملی* که بعداً *انجمن تبریز* نام گرفت منتشر کرد. همچنین تجار تبریز در استانبول به همراهی اصناف، انجمن سعادت را برای گزارش وقایع مشروطه عثمانی به ایران تشکیل دادند که متشکل از ده نفر تاجر و بیست نفر از اصناف بود. این انجمن در دوره استبداد صغیر باعث حفظ مشروطیت در تبریز با ارسال کمک‌ها شد (دولت‌آبادی، ۱۳۳۱: ۲۳ و ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ۲۰۵-۲۰۷). انجمن غیبی که توسط بازرگانان تبریز ایجاد شد که هدف آن حفظ و تداوم مشروطیت بود که شامل ۱۲ نفر بود که از مهم‌ترین افراد آن، دو بازرگان آگاه از جمله کربلایی علی مسیو و حاج علی دوافروش بودند. انجمن اتحادیه بوشهر که هدف آن حمایت از مشروطه‌خواهان بود با صدور فرمان مشروطیت در انجمن اتحادیه بوشهر جشن تأسیس دولت عادل مشروطه و تشکیل شورای کبری ملی گرفتند و تجار به تزیین تجارتخانه‌های خود پرداختند (*روزنامه مظفری*، س ششم: ۸۶). تجار پس از آگاهی به منافع طبقاتی نخستین راه‌حل را در مجلس وکلای تجار تجربه کردند ولی به دلیل ناکام ماندن این مجلس در جهت رسیدن به خواسته‌های تجار، دومین راه‌حل در جریان جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه شکل گرفت که به فکر برقراری حاکمیتی جدید و واژگونی نهادهای سنتی افتادند. پس از غلبه تجار بر سیستم سیاسی و پیروزی آنان در انقلاب مشروطیت در انتخابات نمایندگی مجلس با کسب اکثریت آرا به مجلس اول راه یافتند.

### آزمون تجربی فرضیات

براساس چارچوب نظری این مقاله، تجار دوره قاجاریه را می‌توان به‌عنوان یک طبقه نسبتاً مستقل از حکومت محسوب کرد به نحوی که:

۱. تجار تا قبل از عصر امتیازات، یک طبقه اقتصادی
۲. از عصر امتیازات تا پیروزی انقلاب مشروطه، یک طبقه اجتماعی
۳. و از پیروزی انقلاب مشروطیت تا پایان مجلس اول به یک طبقه سیاسی تبدیل شدند.

همان‌طور که در فرضیه بالا می‌بینیم، فرایند طبقاتی تجار دوره قاجاریه را در سه دوره از یک مقطع زمانی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. دوره اول: در دوره اول که تا قبل از عصر امتیازات را شامل می‌شود، از دوره سلطنت آغامحمدخان تا دوره ناصرالدین‌شاه یعنی تا زمانی که امیرکبیر بر مسند صدارت بود را در بر می‌گیرد. در این دوره تجار به دلیل داشتن نقدینگی بالا همواره در نزد مقامات حکومتی نفوذ قابل

توجهی داشتند و مورد احترام شاه و درباریان بودند. به عبارت دیگر یک رابطه بده و بستان (دو جانبه) میان حکومت و تجار وجود داشت. از یک طرف تجار پول داشتند و می‌توانستند خزانه خالی حکومت را پر کنند و در مواقع بحران‌های شدید مالی به داد حکومت برسند؛ به عنوان نمونه می‌توان از قرض عباس میرزا از تجار پس از شکست از روس‌ها نام برد. یا از آن‌جا که حکومت شهرها در ازای وجه شخصی فروخته می‌شد، حکام پیش از احراز مقام دیوانی، نقدینه لازم برای خرید آن را از تجار می‌گرفتند. در مواردی برای پرداخت مالیات‌های حکومت یا دیون معوقه از تجار کمک گرفته می‌شد (سپهر، ۱۳۴۴: ۱۷). بنابراین داشتن بیشترین نقدینگی موجود در دست تجار حکومت را به آنان محتاج می‌کرد و همین امر به تجار استقلال عمل زیادی در امر تجارت می‌داد و از طرف دیگر تجار نیز نیاز به امنیت و نظم و آزادی عمل داشتند و این نیز از سوی حکومت تأمین می‌شد. مثلاً گاه ایلات به دلایل مختلف دست به عصیان زده و به غارت اموال بازرگانان می‌پرداختند (سپهر، ۱۳۴۴: ۱۷). در این موارد حسن ارتباط تجار و حکام و رابطه دو جانبه بین آن‌ها می‌توانست به یاریشان آید. همانند اعزام نیروی نظامی دولت به ممسنی برای یاری محمدمعین‌التجار بوشهری در سرکوب خوانین معترض و جنگ‌ها و درگیری‌های فراوان و طولانی با آن‌ها بر سرزمین‌های مورد ادعا یکی از موارد همکاری حکومت با تجار بزرگ بود (شهشهانی، ش ۱۲-۱۹: ۷۲۸). این رابطه دو جانبه میان حکومت و تجار امکان گرفتن امتیاز یا پست‌های دولتی یا گرفتن تیول و بهره‌برداری از امکانات تجاری و اقتصادی در مناطق مختلف کشور را برای تجار فراهم می‌ساخت. مثلاً می‌توان از واگذاری ریاست ضرابخانه به محمدحسن امین‌الضرب نام برد (مهدوی، ۱۹۹۸: ۱۵).

همچنین پادشاهان قاجاری تا قبل از عصر امتیازات در جهت حمایت از تجار و فعالیت‌هایشان گام‌هایی برداشته‌اند. مثلاً ناظران اروپایی اوایل سده نوزدهم میلادی [آغاز استقرار قاجاریه] به سیاست قاجاریه در مورد معاف کردن بازرگانان از پرداخت کلیه مالیات‌ها، به جز عوارض گمرکی، اشاره کرده‌اند. آغامحمدخان دستور داد تا هر کسی را که مزاحم تجار شود به شدت مجازات نمایند (آوری، ۱۳۶۹: ۱۵۴). همچنین رشد تجارت در دوره حکومت کوتاه آغامحمدخان و ایجاد پایگاه‌ها و مراکز مهم تجاری در شهرهای مرو، ایروان، خوی، رشت، قزوین، یزد و کرمان (همان: ۱۵۴)، دستور جلوگیری از واردات شال کشمیر از سوی فتحعلی‌شاه به منظور حمایت از تولیدکنندگان شال در کرمان (همان: ۱۵۴)، افزایش فوق‌العاده حجم تجارت در دوره فتحعلی‌شاه (لمبتون، ۱۳۴: ۱۹۵۳)، ساخت بازار بزرگ تهران به دستور امیرکبیر به منظور کمک به بازرگانان، گسترش دادوستد، ایجاد مکان مناسب برای عرضه کالاها و مرکز خرید و فروش کالاهای داخلی و خارجی (آوری، همان: ۱۲۶ و کوبان، ۱۳۷۱: ۳۴). این‌ها

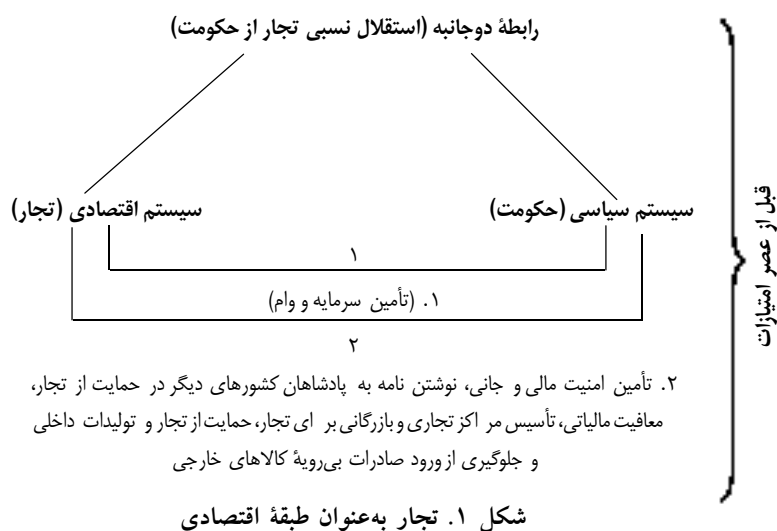
نمونه‌هایی از مواردی است که در جهت حمایت از بازرگانان از سوی پادشاهان انجام می‌شد. به طوری که در فاصله سال‌های ۱۸۰۰-۱۸۵۷ بازرگانان واقعاً به صورت یک طبقه نازپرورده درآمدند (آوری، همان: ۱۵۴).

همچنین تا قبل از عصر شکار امتیازات شاهان قاجار در جهت حمایت از تجار در تجارت خارجی نامه‌هایی برای پادشاهان کشورهای دیگر می‌نوشتند و زمینه را برای فراهم کردن تسهیلات در آن سوی مرزها فراهم می‌آوردند. در این نامه‌ها حفظ حقوق تجار و امنیتشان از هر جهت به مسئولان مختلف یک کشور خاطر نشان می‌شد و رعایت حقوق و احترام و محبت به تجار، اساس مودت اتحاد بین دولت‌ها محسوب می‌شد. بنابراین می‌توان به موقعیت خاص تجار در نزد پادشاهان پی برد به طوری که پادشاهان قاجاری سفارش آن‌ها را به پادشاهان کشورهای دیگر می‌نمودند. مثلاً می‌توان از نامه فتحعلی‌شاه به الکساندر پاولویچ امپراتور روسیه در ۲۱ جمادی‌الاول سال ۱۲۲۹ در مورد مالیات تجار، نامه تند و تهدیدآمیز عباس میرزا به درویش پاشا صدراعظم دولت عثمانی و محمدصالح افندی رئیس‌الکتاب دولت عثمانی در مورد تعارض و غارت اموال تجار ایرانی در خاک عثمانی، نامه دیگر عباس میرزا به زین‌العابدین خان سرکرده و یوزباشی غلامان خاصه در عثمانی در مورد ستاندن طلب آقامحمد تاجر از تاجر ارمنی ساکن استامبول، نامه محمدشاه به محمدصادق افندی رئیس‌الکتاب دولت عثمانی در جهت استرداد اموال تجار فوت شده ایرانی در کشور عثمانی به منظور بازگرداندن اموالشان به فرزندانشان، نامه فریدون میرزا به محمدعاطف پاشا رئیس‌الکتاب دولت عثمانی به تاریخ ذیحجه ۱۲۴۷ در مورد حمایت از بازرگانان ایران و تساوی حقوق آنان با حقوق بازرگانان سایر دول، نامه محمدخان زنگنه امیرنظام به محمدعاطف افندی رئیس‌الکتاب دولت عثمانی به تاریخ ۱۲۵۱ ه.ق. در مورد بازگرداندن اموال تجار ایرانی از سوی دولت عثمانی و نامه میرزا محمدشفیع صدراعظم به یوسف ضیا صدراعظم عثمانی در مورد رعایت مودت درباره تجار و بازرگانان ایران که به سرزمین آن‌ها قدم می‌گذراند و جلوگیری از رسیدن آزار و اذیت و ضرر به قافله تجار ایرانی، نامه دیگر میرزا شفیع به رشدی پاشا قائم‌مقام دولت عثمانی در سال ۱۲۲۱ ه.ق. که با لحنی گلایه‌آمیز به خاطر غارت تعدادی از تجار ایرانی توسط قبایل عثمانی زبان به شکوه می‌گشاید... (نصیری، ۱۳۶۶ و ۱۳۶۸). موارد فوق همگی از نامه‌هایی هستند که در جهت حمایت از تجار ایرانی به سایر دول نوشته شده است. در این جا به ذکر محتوای یکی از نامه‌ها اکتفا می‌کنیم. در نامه عباس میرزا در تاریخ رمضان ۱۲۴۵ ه.ق. به زین‌العابدین خان سرکرده و یوزباشی غلامان خاصه در عثمانی دستور داده شده که طلب آقامحمد تاجر را از تاجر ارمنی ساکن استامبول بستانند. «از قراری که به عرض اشرف رسید، عالی حضرت محمدآقا تاجر

تبریزی مبلغی طلب از اوانس تاجر ارمنی که در مدینه استامبول متوقف است دارد و در ادای طلب او تکاهل می‌نماید. لهذا به آن عالیجاه امروز مقرر می‌شود که بعد از ورود به مدینه اسلامبول در این باب با جناب محمدحامد بیک رئیس‌الکتاب دولت عثمانی گفت‌وگو نماید که طلب مشارالیه برسد. البته حسب المقرر مرتب داشته در این خصوص نهایت دقت و اهتمام نموده، طلب او را موافق تمسک و حساب بازیافت داشته برعهده شناسند» (نصیری، ۱۳۶۸: ۱۳۰). بنابراین شاهان و حکام قاجاری تا قبل از عصر فروش امتیازات به دلیل حمایت مالی از سوی تجار به مسئله تجارت و بازرگانی اهمیت بسیاری می‌دادند و سعی در جلب رضایت تجار و حمایت از آنان داشتند. اما از دوره سلطنت ناصرالدین شاه به بعد قرارداد یا سندی که در جهت حمایت از تجار و تجارت و بازرگانی باشد وجود ندارد. همچنین چنانچه حکامی از دادن وام یا قرض خود به تاجری خودداری می‌نمود، پس از آن، تاجر از دادن وام یا قرض دیگر به او در صورت احتیاج فوری، سر باز می‌زد و نه تنها چیزی به او نمی‌داد بلکه تجار هم‌قطار وی نیز این کار را در خصوص او می‌کردند (دوگوبینو، ۱۳۶۰: ۳۰)، مثلاً در دوره ناصری ما می‌بینیم تجار از دادن اعانه به دولت ناصرالدین‌شاه که برای مخارج جنگ خواستار بودند خودداری کردند همان: ۵۶-۵۷). بنابراین مقامات حکومتی مرغی را که تخم طلائی داشت نمی‌توانستند بکشند زیرا این کار موجب می‌شد که همه تجار یکسره از پرداخت وام به حکومت یا عمال او خودداری کنند (فلور، ۱۳۶۶: ۱۸۱). در نتیجه حکومت همواره سعی در جلب رضایت تجار داشته و از آزار و اذیت آنان پرهیز می‌نمودند و این امر به تجار این استقلال را می‌داد که حتی در مسایل مملکتی دخالت کنند و اظهارنظر کنند. بنابراین هر وقت پادشاهان محتاج قرض می‌شدند تجار به یاری می‌آمدند... و چون تجار سیم‌وزر خود را به دولت داده اختیار در امور مملکت به هم رسانیده بودند، هرچه می‌گفتند از پیش می‌رفت (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ص ۲۲۹). و تجار از چنان قدرتی برخوردار بودند که گاهی برخی از حکام برای خرید مقام دیوانی خود از تجار قرض می‌گرفتند، بنابراین طبیعی است وقتی که این گروه به حکومت می‌رسیدند، از تجار حمایت می‌کردند و مجبور بودند روندی را در پیش بگیرند که موجبات رضایت آنان را که با افزایش سرمایه آنان همراه بود فراهم کنند (رنانی و کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۷).

باید توجه داشت هرچند تجار دوره مورد بحث از قدرت زیادی برخوردار بودند و استقلال عمل زیادی در مقابل شاهان قاجاری داشتند اما به دلایل جغرافیایی (زیستی، محیطی)، قومی و مذهبی به منافع جمعی مشترک خود آگاه نمی‌شدند. همین امر منجر به این می‌شد که میان تجار شهرهای مختلف و حتی تجار درون یک شهر، به جای همبستگی و تعلق به منافع طبقاتی مشترک در تضاد و درگیری باهم قرار می‌گرفتند. به‌عنوان مثال در زمان قاجاریه، مذهب یکی از

عوامل تقسیم‌بندی گروهی تجار بود. تجار مسلمان، ارمنی، یهودی، زرتشتی می‌کوشیدند با هم‌کیشان خود بیشتر مجالست و دادوستد داشته باشند تا دیگرکیشان. طبیعی است در موارد اضطراری و نیاز به مساعدت نیز با تأسی از فرامین مذهب خود، به هم‌کیشان خود بیشتر مساعدت و یاری می‌کردند تا دیگر تجار (فلور: ۱۵۶). در نتیجه آن‌ها نتوانستند به‌عنوان قدرت اقتصادی واحد در مقابل قدرت سیاسی واحد مشارکت و یکپارچگی جمعی داشته باشند. مجموعه مباحث فوق در خصوص وضعیت تجار در عصر قبل از امتیازات را می‌توان به نحو اختصار در شکل ۱ نشان داد.



۲. دوره دوم: در این دوره که از عصر امتیازات تا پیروزی انقلاب مشروطه را در بر می‌گیرد تجار، به یک طبقه اجتماعی تبدیل شدند باید گفت تجار که تا چندی قبل به‌عنوان طبقه اقتصادی به منافع خودآگاه نبودند در این دوره به‌دلیل آگاهی‌رسانی و تزریق آن به درون جامعه بازاری به خودآگاهی مشترک رسیدند و از یک طبقه صرفاً اقتصادی به طبقه اجتماعی تبدیل شدند.

در عصر ناصرالدین‌شاه به‌دلیل حضور قوی و گسترده کالاهای غربی، فروش امتیازات، بی‌توجهی و بی‌احترامی به تجار، بین نظام استبدادی کهن و خواسته‌های صاحبان حرف شهری و تجار عدم توازن در حال رشدی به‌وجود آمد (کدی، ۱۹۸۰: ۶۷). حکومت ناصری با برخورداری از منافع مادی ناشی از فروش منابع داخلی که بالتبع بی‌نیازی مالی از طبقه تجار را به همراه داشت از در مخالفت با تجار در آمد و قراردادهایی که به ضرر تجارت داخلی بود منعقد



نمود. این قراردادها چیزی جز از بین بردن تولیدات داخلی، کاهش واردات و وابستگی تجارت و تجار به بیگانگان را به همراه نداشت. هدف انگلستان و روسیه دخالت مستقیم در بازارهای ایران بود و با تأسیس شرکت‌ها و تجارتخانه‌های مربوط به خود در ایران قصد حذف تجار ایرانی از دادوستد و تجارت در ایران را داشتند. شاه قاجار به دلیل خالی بودن خزانه کشور و برای جبران کسر بودجه از یک طرف و تأمین هزینه‌های سفر خود به فرنگ از طرف دیگر امتیازاتی را به سود این کشورها منعقد کرد. این امتیازها به سود جامعه بازرگانان دو کشور انگلستان و روسیه و به ضرر تجار ایرانی و تجارت ایران بود، که نتیجه‌ای جز فقر اقتصادی و تنگدستی و تحقیر بازرگانان ایرانی در بر نداشت. بیشترین امتیازات مربوط به دوره ناصرالدین شاه بود. به طوری که در طول سلطنت ناصرالدین شاه (۱۸۴۸-۱۸۹۶) مجموعاً ۸۳ فقره امتیاز و عهدنامه امضا شده است و حداقل ۳۵ مورد امتیاز پس از دریافت رشوه‌های کلان اعطا شده است (بهنام، ۱۳۷۵: ۳۷). اعم امتیازات به شرح زیر است:

۱. امتیازات رویترا که به موجب آن همه منابع اقتصادی ایران در اختیار خارجی‌ها قرار می‌گرفت.
۲. تأسیس شرکت انگلیسی زیگلر در سال ۱۸۷۰ م که در نتیجه آن بازار بافت و صدور فرش به تمامی از دست تجار ایرانی خارج شد (رنانی و کرمانی: ۱۳۴-۱۳۵). ۳. شرکت روسی بیمه حمل و نقل در ایران در سال ۱۸۹۱ میلادی که به موجب آن حمل و نقل کالاهای تجاری در ایران به این شرکت واگذار شد. براساس این معاهده، محصولات تجاری و بازرگانی فقط توسط این شرکت حمل و نقل می‌شد. پرداخت منابع حمل و نقل به علاوه حق راه‌داری که آن‌هم توسط روس‌ها از تجار و محمولات بازرگانان ایران گرفته می‌شد سود قابل توجهی را نصیب شرکت روسی می‌کرد که به ضرر تجار ایرانی بود. زیرا ایجاد این شرکت باعث تسریع در ارسال و وصول کالاهای روسی و اشاعه آن در کل نقاط ایران بود. و از این طریق در قیاس با تجار ایرانی سود قابل توجهی را عاید روس‌ها می‌کرد (رنانی و کرمانی: ۱۷۳-۱۷۴). ۴. امتیاز استفاده از چوب درختان جنگل (۱۳۱۱ق) درخت‌های زیتون (۱۳۰۷ق) و چوب شمشاد (۱۳۰۸ق) به تجارتخانه روسی بود که این امر به ضرر تجار و بازرگانان ایرانی که در کار چوب بودند بود و وابستگی آنان را به شرکت همراه داشت. (همان: ۱۷۹-۱۸۱) ۵. قرارداد گمرکی که بین ایران و روسیه در سال ۱۹۰۱ م به امضا رسید که به موجب این قرارداد عوارض پنج درصدی گمرک روسیه که به ایران پرداخت می‌شد به یک و نیم درصد و عوارض قند و شکر وارداتی از روسیه از پنج درصد به نیم درصد کاهش یافت. پیامد اقتصادی این قرارداد به‌طور خلاصه این است که به دلیل عدم حمایت از تولیدات داخلی بسیاری از صنایع رو به زوال نهاد و روسیه نیز فقط در صدد جلب مواد خام مثل پشم، پنبه، کنف و پوست دباغی نشده بود. این تعرفه که می‌توان آن را

اختناق اقتصادی ایران نامید، باعث شد تجارت، صنعت و کشاورزی روسیه به ایران به حد وفور افزایش یابد و بازار اجناس ایران در روسیه به طول کلی از بین برود و محصولات خام کشور، تغذیه‌کننده صنایع آن کشور شود (تیموری، ۱۳۶۲: ۴۰۳-۴). انتشار قرارداد گمرکی ایران و روسیه باعث کدورت انگلستان شد. در نتیجه در تاریخ نهم فوریه سال ۱۹۰۳ م قرارداد جدید گمرک به نفع انگلستان تنظیم شد. تاجران جنوب از این قرارداد بیشتر زیان دیدند زیرا علاوه بر پرداخت مالیات باید عوارض و مالیات گوناگون مثل راهداری، قپانداری، سرریگی، میدانی و دلالی نیز می‌پرداختند. این نابسامانی باعث وخیم‌تر شدن وضع بازرگانان ایران شد و مهم‌تر از همه مالیات راهداری بود که ضربه مهلکی به پیکر تجارت و بازرگانی این عصر وارد کرد (رنانی، کرمانی: ۱۹۱-۱۹۲).

فروش منابع داخلی کشور و ضرر و زیان آن بر تجار باعث شد بازرگانان همراه با عده‌ای از ایرانیان روشنفکر در پی اصلاحات باشند و می‌خواستند استقلال اقتصادی ایران را تأمین کنند و برای این کار می‌بایست روح تجددطلبی را جانشین روحیه سنت‌پرست کنند. قانون اساسی عثمانی به سال ۱۸۷۷ م / ۱۲۹۴ ق در روزنامه *اختر ترجمه* شد و در بازار تبریز دست به دست گشت. بازرگانانی که با روسیه و عثمانی سروکار داشتند از اوضاع آن سرزمین‌ها خبر می‌آوردند و درباره وابستگی اقتصادی ایران بحث می‌کردند (بهنام، ۱۳۷۵: ۳۶). در این میان مراوده تجار با روشنفکران باعث تأثیرپذیری از آگاهی و اطلاعات آنان شد. مثلاً زمانی که اسدآبادی چند روزی در منزل امین‌الضرب مرد شماره یک اقتصاد و تجارت مهمان بود تحت‌تأثیر آرا و اندیشه سیدجمال در باب قانون، آزادی فکر و مطبوعات، اصلاح وضع مسلمین، قطع دست بیگانگان از اقتصاد کشور، مبارزه با امپریالیسم و استعمار خارجی قرار گرفت. به طوری که امین‌الضرب برای جمال‌الدین هنگام اقامت در روسیه پول می‌فرستاده است (کدی، ۱۳۵۸: ۲۷). همچنین افکار اقتصادی طالبوف تبریزی زمینه‌ساز آگاهی طبقه تجار و نشان‌دهنده هم‌سوئی فکری با تجار و سرمایه‌گذاری صنعتی بود.

همچنین حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای از دیگر روشنفکران تأثیرگذار بر آگاهی طبقاتی تجار بود. او ضمن انتقاد از عملکرد تجار در ترویج کالاهای غربی، از آنان می‌خواهد که خود به تأسیس کارخانه‌های مختلفی اقدام نمایند. بنابراین تجار با آگاهی به منافع جمعی خود با ایجاد مرزبندی میان خود و دیگری (سرمایه‌گذاران خارجی) به تأسیس شرکت‌ها و کارخانه‌هایی برای حفظ منافع خود اقدام نمودند. نخستین سرمایه‌گذاری‌های قابل ملاحظه صنعتی در این دوره تأسیس کارخانه ابریشم‌بافی در رشت در سال ۱۳۰۲-هـ ق / ۱۸۸۵ م توسط حاج محمدامین‌الضرب، تأسیس کارخانه ریسندگی در بیرون دروازه دولت در سال ۱۳۱۲

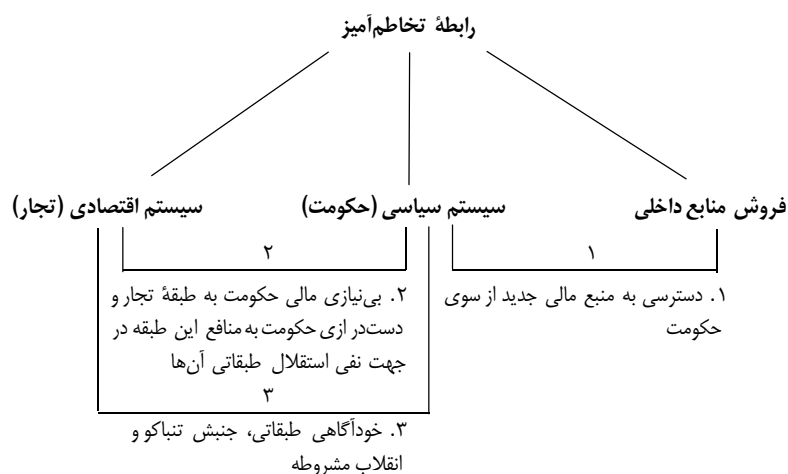
هق/۱۸۹۲ م توسط مرتضی قلی‌خان صنایع‌الدوله با مشارکت حاج محمدتقی تاجر معروف به شاهرودی، تأسیس کارخانه ریسندگی در تبریز در سال ۱۳۲۶ هق/۱۹۰۸ م توسط حاج رحیم‌آقا فتحعلی، تأسیس کارخانه بلورسازی در سال ۱۳۰۵ هق/۱۸۸۸ م توسط حاجی محمدحسن اصفهانی امین‌دارالضرب در شهر تهران، تأسیس کارخانه چینی‌سازی در تبریز توسط حاجی عباسعلی و حاجی رضا، تأسیس کارخانه چراغ‌گاز در خیابان شرقی میدان توپخانه به وسیله حاج میرزا حسین‌خان قزوینی سپهسالار اعظم در سال ۱۲۹۷ هق/۱۸۸۰ م، تأسیس کارخانه‌های نظامی که از زمان عباس‌میرزا و امیرکبیر وارد شده بود و در این دوره نیز برخی از آن‌ها دایر بود و چند کارخانه دیگر نیز بدان‌ها اضافه شد، کارخانه پنبه‌پاکنی حاج میرزا علی‌محمد اصفهانی در سبزوار، کارخانه‌های پنبه‌پاکنی حاجی سیدابوالحسن اصفهانی در بار فروش و ساری، تأسیس کارخانه‌های آسیای بخاری، آجریزی، صابون‌پزی، و مگنه‌زنی شامل یک کارخانه آسیای بخاری به وسیله حاجی سیدابوالقاسم رضوی اصفهانی از تجار معروف قزوینی در سال ۱۳۲۵ هق/۱۹۰۷ م، تأسیس کارخانه آجریزی در سال ۱۳۲۲ هق/۱۹۰۴ م به وسیله حاج امین‌الضرب در نزدیکی تهران و تأسیس یک کارخانه صابون‌پزی در تهران به وسیله ربیع‌زاده و شرکا در سال ۱۳۲۸ هق/۱۹۱۰. هدف تمام این کمپانی‌ها در اختیار گرفتن امر تجارت در سطح وسیعی بود و عموماً نیز در زمینه رواج امتعه وطنی کوشش فراوان به عمل می‌آوردند. شاید بتوان گفت که کامل‌ترین نمونه تجمع تجار در تأسیس شرکت اسلامی اصفهان قابل مشاهده است. این کمپانی به منظور مقابله با سرمایه‌داری خارجی تأسیس شد و غالب تجار و بازرگانان در سراسر کشور بدان پیوستند. در بند شانزدهم اساسنامه شرکت تصریح شده است که «غیر مسلم از تبعه خارجی حق شرکت به اسلامیه ندارد» (شرکت اسلامی روزنامه حکمت، اول ربیع‌الثانی ۱۳۱۷/۱۶ اوت ۱۸۹۹، شماره ۸). این اصل برای جلوگیری از رسوخ سرمایه‌داری خارجی در شرکت اسلامی پیش‌بینی و به مورد اجرا گذاشته شده است. روزنامه حکمت اهداف شرکت اسلامی را این‌چنین تشریح کرده است: «۱. این شرکت مطلقاً تجارت امتعه خارجه نخواهد کرد مگر بعضی ادوات کارخانه‌ها؛ ۲. شرکت با حکومت برای احداث راه شوسه قم-اصفهان در حال گفت‌وگو است؛ ۳. مقابله با احتکار، نجات مردم از گرانی، انتقال کالاهای مورد نیاز به مکان‌هایی که لازم است؛ ۴. تدارک لباس تمام اهالی ایران، چنان‌که علمای اصفهان می‌خواستند مردم را از پوشیدن لباس و منسوجات خارجی منع نمایند. اما رؤسای شرکت استدعا نمودند تا لوازم موجود نشود، اظهار نمایند؛ ۵. این شرکت هر چیزی را که به آن بدهند به قدر کفاف از آن حاضر می‌نماید حتی ماهوت اتریش را ولی آن‌قدر باشد که بتواند اسباب نساجی آن را از فرنگستان آورده برسانند (قانون نامه جدید شرکت اسلامی اصفهان،

روزنامه اختر، سال نهم، شماره‌های ۳۰ الی ۳۷). همچنین عده‌ای از تجار بزرگ به گشایش تجارتخانه‌هایی برای صدور و ورود کالا اقدام کردند. این تجارتخانه‌ها که مواد خام را به کشورهای دیگر صادر کرده و کالاهای ساخته شده صنعتی را به کشور وارد می‌کردند، همچنین در امر صرافی و خرید و فروش ارز نیز مشارکت داشتند. این تجارتخانه‌ها علاوه بر شهرهای ایران در سایر نقاط جهان از جمله مسکو، بادکوبه، ادسا و تفلیس دارای شعبی بود. از جمله این تجارتخانه‌ها می‌توان از تجارتخانه تومانیانس، خسروشاه و برادرانش، جمشیدیان و آرزومانیان نام برد (اشرف، احمد: ۷۴-۷۵) تجار علاوه بر تجارتخانه‌ها اقدام به تأسیس شرکت‌های بازرگانی برای مقابله با سرمایه‌داری خارجی نمودند. که از یک سو نشان از درک آنان از منافع طبقاتی‌شان بود و از سوی دیگر این مؤسسات امکان عمل رقابت با سرمایه‌داران اروپایی را برایشان فراهم می‌کرد. این شرکت‌ها که در امور صدور و ورود کالا و امور صرافی فعالیت می‌کردند، تا قبل از وقوع انقلاب مشروطه تعدادشان به ده کمپانی می‌رسید. این شرکت‌ها عبارتند از: کمپانی تریاک اصفهان، کمپانی انفیه، کمپانی تجارتی ایرانی، شرکت اتحادیه کمپانی منصوریه، کمپانی تجارتی فارس، شرکت مسعودیه، شرکت عمومی ایران، شرکت آرامیان و کمپانی محمودیه (همان: ۷۷-۷۸).

بنابراین، تجار ایرانی به دلیل سواد و مسافرت‌هایی که به ممالک خارجی داشتند و از طرف دیگر آشنایی با روشنفکران و تأثیرپذیری از افکار آن‌ها که الهام‌بخش و تفسیرکننده هدف‌های آنان بود به خودآگاهی طبقاتی رسیدند و آگاه به منافع جمعی مشترک شدند و دست به سازماندهی طبقاتی به منظور احقاق حق خود و اجازه ندادن به حکومت در محدود کردن استقلال طبقاتی خود و مقابله با تهدیدات خارجی در جهت حفظ استقلال اقتصادی و ملی خود برآمدند. آن‌ها که تا چندی پیش در خصومت با هم بودند و منافع جمعی را فدای منافع شخصی می‌کردند دست به تأسیس مجلس وکلای تجار در تمام ایالات (۱۳۰۱ ق) زدند که خلاصه پیشنهادات و نیازهای تجار در کتابچه یا اساسنامه بدین شرح است:

۱. احترام به مالکیت فردی و تأمین حقوق مالی افراد با تشکیل ثبت املاک ۲. حفظ املاک و مستغلات ۳. به منظور جلوگیری از سوءاستفاده عمال دیوانی در پرداخت دیون آن‌ها به تجار، این قروض به تدریج از مواجب آن‌ها کاسته شود. ۴. در اختیار گرفتن بازار پولی کشور با پیشنهاد تأسیس بانک مخصوص اداره تجارت ۵. حفظ و حمایت دولت از منافع تجار داخلی ۶. رواج امتعه ایرانی و ممانعت از ورود کالاهای غربی ۷. سپردن امور تجار و حل و فصل‌های دعاوی و معاملات آن‌ها به مجلس تجارت (۱۳۰۱ ه.ق.). در این مرحله، برخلاف سابق، در انتخابات مربوط به تعیین وکلای تجار، هویت قومی و بومی افراد مورد توجه قرار نگرفت و به ارمنی،

فارسی، زرتشتی، کرمانی، یزدی... بودن تجار کاری نداشتند. چون در هر شهر تاجر بسیاری از شهرهای دیگر به فعالیت مشغول بودند و این امر محدودیتی در انتخابات آنها ایجاد نمی‌کرد بلکه نوعی اتفاق با جمیع ممالک محروسه توصیف شد. (۱۳۰۱ ه‍.ق) هرچند مجلس وکلای تاجر در تلاش برای رسیدن به اهداف خود به دلیل کارشکنی‌های حکام محلی و عمال دیوانی ناکام ماند، اما این مجلس برای نخستین بار تاجر را در یک سازمان مشخص گرد هم آورد و آنها را نسبت به حقوق خویش و منافع جمعی و ملی به جای منافع فردی آگاه ساخت. و با آگاهی از منافع طبقاتی خود در مقابل دو تهدید داخلی و خارجی، جنبش اقتصادی (جنبش تنباکو) و جنبش سیاسی (انقلاب مشروطه) را آفریدند. مجموعه مباحث فوق را به اختصار می‌توان در شکل ۲ نشان داد.



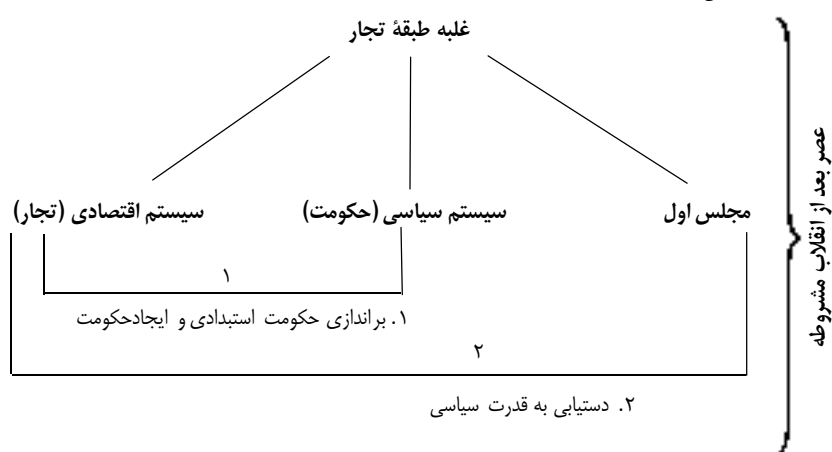
شکل ۲. تاجر به عنوان طبقه اجتماعی

۳. دوره سوم: در این دوره که از پیروزی انقلاب مشروطه تا پایان مجلس اول را در بر می‌گیرد، تاجر به یک طبقه سیاسی تبدیل شدند. فرمان مشروطیت ایران در سال ۱۳۲۴ ه‍.ق/۱۹۰۶ م صادر شد. وضعیت طبقاتی نمایندگان تهران در مجلس اول از این قرار بود که از اقشار مختلف شاهزادگان و قاجاریه، اصناف، تجار، علما و طلاب، اعیان و اشراف، مالکین و فلاحین نمایندگانی را به مجلس روانه کردند که از آن میان «شاهزادگان و قاجاریه ۴ نفر، علما و طلاب ۴ نفر، تاجر ۱۰ نفر، مالکان و فلاحین ۱۰ نفر اصناف از هر صنفی یک نفر، جمعاً ۳۲ نفر» (مذاکرات مجلس ۱۳۲۴، ص ۶) تعداد نمایندگان هر قشر برای تهران در ماده ششم نظامنامه مجلس تعیین شده بود. از مجموع ۱۶۱ نفری که از سراسر کشور به نمایندگی مجلس برگزیده

شدند ۵۷ نفر یا بیش از یک‌سوم نمایندگان را بازاریان (۲۸ نفر از تجار و ۲۹ نفر از اصناف)، ۴۷ نفر یا حدود ۲۹ درصد علما، ۳۶ نفر یا حدود ۲۲ درصد عمال دیوانی، ۸ نفر یا ۵ درصد را شاهزادگان قاجاریه و ۱۳ نفر بقیه را سایر مراتب اجتماعی تشکیل می‌دادند (اشرف: ۱۱۹). اسامی نمایندگان تجار در مجلس اول به این صورت است. حاج سید مرتضی مرتضوی، حاجی حسین آقا امین‌الضرب، میرزا حسن خان وثوق‌الدوله، محقق‌الدوله، حاج آقا محمد بوشهری، معین‌التجار، حاج محمداسماعیل آقا تبریزی مغازه، حاج محمدتقی شاهرودی، حاج محمدعلی شالفرش، محمد قلیخان مخبرالملک، میرزا محمود تاجر اصفهانی (کسروی، ۱۳۵۱: ۱۱۹). مجلس اول به دلیل حضور تعداد زیادی از کرسی نمایندگان در اختیار تجار و اصناف، اقداماتی در زمینه حمایت از سرمایه‌های داخلی، مقابله با نفوذ بیگانگان و محدود کردن قدرت سیاسی دربار انجام داد. تجار در مجلس با حفظ همبستگی خود در امور مالی و تجارت خارجی مسائلی را که جزء تقاضاهای اولیه آن‌ها در تحصن‌های اعتراض‌آمیز پیش از مشروطیت بود مورد تأکید قرار دادند که در مجلس اول انجام شد. از جمله عزل نوزاد، از قدرت حکام ولایات به‌خصوص در مورد جمع‌آوری مالیات کاسته شد. مهم‌ترین پیشنهاد تشکیل بانک ملی توسط معین‌التجار بود (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۱۳). از مهم‌ترین اقدامات مجلس اول، تصویب قانون اساسی و متمم آن بود. اصول پانزده، شانزده، هفده، بیست و دو تا بیست و ششم قانون اساسی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. براساس اصل پانزدهم «هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است. (مجلس: ۱۰۱) اصل شانزدهم در مورد ضبط املاک و اموال مردم به‌عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون (همان). اصل هفدهم سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متفرقه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون. (همان). تصویب این ۳ اصل بالا به تجار اطمینان خاطر می‌داد که مالکیت آن‌ها همواره مورد احترام و اموال آن‌ها از هرگونه ضبط، تصرف و مصادره غیرقانونی مصون باشد و در صورت اجرای آن‌ها امنیت و اطمینان لازم برای توسعه سرمایه ایجاد می‌شد. اصول ۲۲ تا ۲۶ قانون اساسی حاکی از واکنش تجار ایرانی در مقابل نفوذ سرمایه‌های بیگانه و ناتوانی آن‌ها در مقابله با این تهاجم بود. (همان، ص ۲) زمانی که دولت از مجلس تقاضای تصویب بیست و دو تومن قرضه خارجی را از روس و انگلیس نمود در حالی که گروهی از نمایندگان به‌خاطر نیاز مبرم دولت از لایحه قرضه خارجی دفاع می‌کردند، تجار عکس‌العمل شدیدی از خود نشان دادند و با سخنان معین‌التجار بوشهری در این زمینه نمایندگان نظر وی را تأیید کردند و لایحه دولت با مخالفت اکثریت مجلس روبه‌رو شد. و

بدین ترتیب به رهبری و پایمردی نمایندگان طبقه تجار لایحه دولت مواجه با مخالفت شدید اکثریت مجلس شد. به همت تجار اعلان تأسیس بانک ملی ایران به تصویب مجلس رسید و گروه کثیری از تجار در تهران و شهرهای دیگر به‌عنوان مؤسسان بانک به این جنبش ملی پیوستند (اشرف: ۱۲۱-۱۲۲). بنابراین در امر تجارت و بازار قوانین مصوبه مجلس اول و در طرح کلیات قانون بلدیة، اداره اموال منقول و غیرمنقول و سرمایه‌های متعلق به شهر، همچنین مراقبت در امر آذوقه، مساعدت در ساختن بازارها و نمایشگاه‌های تجارتي و کلاً مراقبت در رواج حرفه و تجارت شهر به عهده دولت و نمایندگان آن در شهرها قرار گرفته بود (مجلس: ۱۰۱).

خلاصه این‌که تجار به مدد آگاهی به منافع جمعی خویش در مقابل حکومت دست به قیام زدند و به پیروزی رسیدند و به قدرت سیاسی دست یافتند. آن‌ها با کسب اکثریت آرا کرسی مجلس را به دست آوردند و به یک طبقه سیاسی تبدیل شدند. ملاحظات فوق را به اختصار می‌توان در شکل ۳ مشاهده نمود.



شکل ۳. تجار به‌عنوان طبقه سیاسی

### نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا مسئله تحقیق مطرح آن‌گاه راه‌حل نظری آن مسئله از نظریه مناسب‌تر استنتاج گردید. در ادامه راه‌حل نظری ارائه شده از طریق تجربه در پرتو استدلال نقادانه مورد داوری قرار گرفت. شواهد تجربی دلالت بر تأیید دستگاه نظری این تحقیق دارد. براساس یافته‌های این تحقیق تجار دوره قاجاریه در جهت حفظ استقلال طبقاتی خویش سه مرحله

تغییر در ماهیت طبقاتی خویش داشتند. در مرحله اول که آن‌ها هنوز طبقه اقتصادی بودند و به خودآگاهی طبقاتی نرسیده بودند. آن‌ها در دادوستد با حکومت (یعنی پول و قدرت) استقلال نسبی خود را حفظ کرده بودند. حکومت که در نتیجه اقدامات بدون برنامه‌ریزی خود همواره با مشکلات مالی روبه‌رو می‌شد و خزانه کشور هم تهی و خالی بود در این مواقع تجار با دادن قرض و وام به کمک آن‌ها می‌آمد. به نظر می‌رسد تا زمانی که پای بیگانگان به ایران باز نشده بود، این طبقه در خواب غفلت ناشی از رقابت در جهت سود شخصی به سر می‌برد. آن‌ها بدون آگاهی به منافع صنفی و طبقه‌ای خویش و تحت تأثیر عوامل زیستی، محیطی، شغلی و مذهبی به جای این‌که از یکدیگر در مقابل قدرت واحد حمایت کنند و یکی شوند به‌طور پراکنده فعالیت می‌کردند. به نحوی که گاهی تجار درون یک شهر به دلایل قومیتی، مذهبی، محلی در تضاد و درگیری با هم قرار می‌گرفتند. این پیوندهای گروهی غیر طبقاتی میان تجار موجب تقویت گروه‌های عمودی (سلسله مراتبی) و تضعیف طبقات افقی (غیر سلسله‌مراتبی) می‌شد و بدین ترتیب از تبدیل منافع و علایق اقتصادی پنهان به نیروهای سیاسی آشکار جلوگیری می‌کرد. با توجه به این‌که تجار شیوه زندگی مشابهی داشتند، در شیوه تولید دارای موقعیت همسان بودند و روابط یکسان با نهادهای اداری داشتند، طبقات اقتصادی را تشکیل می‌دادند؛ ولی به دلیل پیوندهای قومی، گروهی، مذهبی و جغرافیایی در غلبه بر موانع محلی موفق نبودند و علایق و منافع فرامحلی و ملی نداشتند، طبقات اجتماعی-سیاسی تشکیل نمی‌دادند.

در مرحله بعد، روابط بازرگانی تجار با کشورهای مغرب زمین و مشاهده اوضاع و احوال هم‌تایان فرنگی خود و موقعیت ممتاز آنان در جوامع غرب و همچنین حشرو نشرشان با روشنفکران ایرانی بالاخص تجار روشنفکری همچون طالبوف، مراغه‌ای منجر به آگاهی آنان از جهان اقتصادی، سیاسی آنور مرزهای ایران شد به نحوی که احساس کردند که تحول و تغییرات جامعه ایران ضروری است. آنان پس از آگاهی به این امر به جای این‌که در تضاد با هم در جهت رقابت سود شخصی باشند به منافع جمعی خویش آگاه گشتند و به طبقه اجتماعی تبدیل شدند. بنابراین به تدریج تجار پراکنده محلی در قالب طبقه فرامحلی یکپارچه شدند و برای نخستین بار از دردها و مشکلات مشترک خود آگاه شدند. نخستین اقدام آن‌ها در این راستا این بود که خود را در سازمان واحدی یعنی مجلس وکلای تجار گرد آوردند. هرچند مجلس وکلای تجار در جهت گام برداشتن به نفع منافع مشترک به دلیل کارشکنی‌های مقامات ناکام ماند اما آنان دست از پیکار نکشیدند و در جهت حفظ استقلال طبقاتی خویش جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه را به راه انداختند و بر سیستم سیاسی یعنی حکومت قاجاری غلبه یافتند و به طبقه سیاسی تبدیل گشتند.



درخواست اجرای قانون به‌طور مساوی برای همه، معتقد بودن به قانون، تأمین امنیت جانی و مالی و تشکیل عدالتخانه قضایی نشان‌دهنده میزان درک تجار از حکومت مشروطیت بود. این طبقه در مجلس اول تمام تلاش خود را صرف بازسازی اقتصادی کشور نمودند. آزادی تجارت، ناسیونالیسم و مقابله با سلطه سرمایه خارجی، حکومت قوی متمرکز از درخواست‌های آنان در مجلس اول بود. با همه تلاشی که تجار در دستیابی به نظام سیاسی مبتنی بر ساختار دموکراتیک کردند، چندان طول نکشید که هرج و مرج ناشی از انقلاب مشروطه بر همه اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور سرایت کرد و باعث آشفتگی و هرج و مرج روزافزونی در اداره مملکت گردید. این بی‌نظمی موجبات غارت و چپاول هرچه بیشتر اقشار مختلف جامعه و تهاجم‌های مختلف به سرمایه و اموال تجار و بازاریان شد. تجار که خواهان استقرار حکومت قانون و نظم بودند تا بتوانند در سایه آن در مقابل نیروهای مهاجم و چپاولگر ایستادگی کنند به‌دلیل اوضاع آشفته بعد از انقلاب مشروطه که فعالیت اقتصادی را چندان مشکل نمود که باعث دلسردی و عدم اعتماد تجار و بازار به انقلاب مشروطه شد. آن‌ها که فعالانه برای اصلاح اقتصادی کشور در مجلس اول به تلاش پرداختند به‌دلیل وضعیت بد موجود در مجلس دوم دست از کار کشیدند. و به این ترتیب تلاش طبقه تجار عملاً به بن‌بست رسید. با وجود این، داده‌های تاریخی ارائه شده مؤید این امر است که طبقه تجار برخلاف آرا بعضی صاحب‌نظران، یکسره فاقد اختیار و استقلال نبوده‌اند و در مقاطعی، به‌عنوان یک طبقه نسبتاً مستقل در برابر قدرت حاکم، نقش ایفا نموده‌اند.

### منابع

- آدمیت، فریدون، ناطق، هما (۱۳۵۶) *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار*، تهران: آگاه.
- آوری، پیتر (۱۳۶۹) *تاریخ معاصر ایران (از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه)*، ترجمه محمد رفیعی محمدآبادی، تهران: نشر حیدری.
- اجلالی، فرزاد، (۱۳۷۳) *بنیان حکومت قاجار، نظام سیاسی ایلی و دیوان‌سالاری مدرن*، تهران: نشر نی.
- احمدزاده، میرحواص (۱۳۸۳) «بازرگانان و مشروطیت ایران تا صدور فرمان عدل مظفری» در *مشروطه‌خواهی ایرانیان*، به کوشش دکتر ناصر تکمیل همایون، جلد دوم، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱) *پیدایش و تحول احزاب سیاسی*، چاپ اول، تهران: نشر گستره.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹) *موانع رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه*، تهران: زمینه.
- انصاری رنانی، قاسم و قنبرعلی کرمانی (۱۳۸۰) *تجارت در دوره قاجاریه*، تهران: نشر دانشگاه علامه.

- اورسل، ارنست (۱۳۵۳) *سفرنامه اورسل*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات زواره.
- بهنام، جمشید (۱۳۵۷) *ایرانیان و اندیشه تجدد*، تهران: نشر و پژوهش فرزانه، چاپ دوم.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸) *ترجمه کیکاوس جهاننداری*، خوارزمی: چاپ دوم.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۶۲) *عصر بی خبری یا تاریخ اختیارات در ایران*، تهران: اقبال.
- تحویلدار، میرزا حسین خان (۱۳۴۲) *جغرافیای اصفهان*، به اهتمام دکتر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
- دوگوبینو، کنت، (۱۳۶۰) *سه سال در ایران*، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران: نشر فرخی.
- روزنامه *مظفری*، سال ششم، ۲۱ شعبان ۱۳۲۵، برج میزان ۱۲۸۶، نمره ۲۱.
- سپهر، محمدتقی (لسان‌الملک) (۱۳۴۴) *ناسخ‌التواریخ*، ج ۴، تهران: اسلامیه.
- شهشانی، (سهیلا) *خوانین ممسنی*، آینده، ج ۶/ش ۹-۱۲.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲) *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سهامی عام.
- عبداللهی، محمد، ساعی، علی (۱۳۸۴) *تحلیل جامعه‌شناختی دموکراتیزاسیون در ایران*، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۳.
- سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۰) *تکوین سرمایه‌داری در ایران*، چاپ اول، تهران: گوتنبرگ.
- فلور، ویلم (۱۳۶۵) *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- فلور، ویلم «*تجار در ایران عصر قاجار*»، ترجمه غلامعلی عرفانیان، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی*، سال سیزدهم، شماره اول.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶) *تاریخ ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، جلد دوم، تهران: توس.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷) *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- کدی، نیکی (۱۳۵۸) *تحریم تنباکو در ایران*، ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- کسروی، احمد (۱۳۵۱) *تاریخ مشروطه ایران*، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر.
- گرب، ادوارج (۱۳۷۳) *نابرابری‌های اجتماعی*، ترجمه محمد سیاهپوشان و احمدرضا غروی‌زاده، تهران: نشر معاصر.
- گورویچ، ژرژ (۱۳۵۸) *مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات حبیبی.
- مجلس شورای ملی، *مذاکرات مجلس اول*، (۱۳۲۴).
- مجلس، (بی‌تا) *مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهارده دوره تقنینیه*، تهران.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳) *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، چاپ دوم، تهران: علمی.
- مهدوی، شیرین «*تحرک اجتماعی در عصر قاجار*»، ترجمه علی طایفی، نشریه رونق، سال اول، ش ۱۲.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۶۶) *اسناد و مکاتبات تاریخی*، جلد اول، ۱۲۰۹-۱۳۳۸، تهران: نشر کیهان.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۶۸) *اسناد و مکاتبات تاریخی*، جلد دوم، ۱۲۳۹ تا ۱۲۶۳، تهران: کیهان.
- ویلز (۱۳۶۸) *ایران در یک قرن پیش*، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: نشر اقبال.

Issawi, charles (1971) *Economic History of iran, 1800-1914*, chicago: university of Chicago press.

Lambton , AN NK.S (1953) *land lord and preasantin Persia: A study of land Tenure and land Revenme Administration*: oxford university press.

NiKKi.R.Keddie (1980) *iran, religin, politics and society*, London, frank cass.

علی محمد حاضری عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس است.  
هادی رهبری کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس است.